

## طراحی و ارائه چارچوب مفهومی و مدل دانشگاه کارآفرین بر اساس نظریه داده بنیاد سیستماتیک

فرزان شعاع اردبیلی \*

جعفر رحمانی \*\*

غلامرضا ویسی \*\*\*

### چکیده

دانشگاه کارآفرین به‌عنوان نسل سوم دانشگاه‌ها، مأموریت‌سومی دارد که مطابق نظریه تعدادی از اندیشمندان و متفکران، موتور رشد و تحول اقتصادی و اجتماعی بوده است. هدف این مقاله، مطالعه چارچوب مفهومی دانشگاه کارآفرین از نقطه‌نظر جنبه‌های کارآفرینانه دانشگاه‌های کارآفرین و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری دانشگاه‌های کارآفرینی و درنهایت پیشنهاد مدل و چارچوب مفهومی دانشگاه کارآفرین (با هدف توسعه ای-کاربردی) بود. این پژوهش با روش و ماهیت مطالعه موردی از نوع کیفی بر اساس نظریه داده بنیاد با رویکرد سیستماتیک مدیریت و اجرا شد. مضاف بر اینکه با معیار کرسول مورد اعتباریابی محتوایی قرار گرفت و تأیید گردید و نیز پایایی آن بر اساس توافق کدگذاری بیش از ۹۵ درصد، مطابق فرمول هولستی و کاپا مورد تأیید و حمایت واقع گردید. جامعه این پژوهش شامل اساتید دانشگاه و مدیران دانشگاه در مراکز کشور بودند. نمونه این مطالعه ۱۴ نفر (۴ نفر مدیر و بقیه اساتید دانشگاه) و نمونه‌گیری نظری و هدفمند و با روش گلوله برفی در حد اشباع بود. داده‌ها از مصاحبه‌ها جمع‌آوری شدند. تحلیل محتوا در سه سطح بازو محوری و گزینشی انجام شدند. نتیجه داده‌ها با تحلیل محتوا، ۱۰۶ ویژگی و شاخص و ۲۶ ریز مقوله و شش مقوله کلی بود که در قالب مدل پارادایمی شامل شرایط علی (ساختاری)؛ مقوله اصلی (رفتاری)؛ راهبردها (نهادی)؛ شرایط مداخله‌ای (فردی)؛ زمینه (ویژگی‌های محیطی)؛ پیامدها (کارآفرینی دانشگاه)؛ فرآیند دانشگاه کارآفرین در دانشگاه‌های ایران و روابط بین ابعاد مختلف و عناصرشان را انعکاس می‌دهند.

واژه‌های کلیدی: دانشگاه کارآفرین، نظریه داده بنیاد، ویژگی‌های دانشگاه کارآفرین

---

مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم است.

\* دانشجوی دکتری رشته مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم، قم، ایران،

\*\* دانشیار (مدعو)، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم، قم، ایران (نویسنده مسئول).

0384459@gmail.com

\*\*\* استادیار (مدعو)، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم، قم، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۱۸

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۳/۱۸

## مقدمه

در عصر حاضر، جوامع مختلف در پی پیدایش و نضج انقلاب کارآفرینی و تبدیل شدن به جامعه کارآفرین هستند. به‌عنوان مثال، دانشگاه ویرجینیای غربی به‌عنوان یکی از دانشگاه‌های معتبر که از اواخر دهه ۹۰ به‌طور جدی با چالش‌ها و مشکلات متعدد درونی محیطی روبه‌رو بوده است، هیئتی از پژوهشگران و سیاست‌گذاران توسعه دانشگاهی با مدیریت دانشکده اقتصاد و بازرگانی مسئولیت انجام بررسی‌های بیشتر و یافتن راهکارهای اثربخش را بر عهده گرفت اما توصیه اصلی این گروه مطالعات بر ایجاد و بسط نظریه کارآفرینی و سازگار کردن ابعاد مختلف دانشگاه با این نظریه بود و کارآفرینی را به‌عنوان فرآیندی برنامه‌ریزی‌شده و جامع که دربرگیرنده ابعاد فرهنگی، ساختاری و مدیریتی است، تعریف کرده و به دنبال مطالعات فوق و بر اساس مدل مذکور، تغییرات جدی و گسترده‌ای در فعالیت‌های دانشگاه ویرجینیا به‌منظور شناسایی، استقرار و توسعه فرآیندهای کارآفرینی در تمامی ابعاد آموزشی، پژوهشی و مدیریتی صورت پذیرفت (تقی پورظهیر و حسن مرادی، ۱۳۸۵).

یکی از اهداف اساسی مندرج در اسناد و برنامه‌های بالادستی به‌ویژه سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران، تبدیل جامعه ایرانی به جامعه‌ای نوآور و کارآفرین در افق ۱۴۰۴ و در نتیجه، بهره‌مندی دانشگاه‌های کشور از ویژگی‌های دانشگاه‌های نسل سوم و کارآفرین است. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش پژوهش کیفی، در پی شناسایی راهکارهای تبدیل دانشگاه‌ها به دانشگاه کارآفرین تحت عنوان چارچوب مفهومی و نظری است. حال با عنایت به نکات پیش‌گفته، دانشگاه‌های کشور، به‌خصوص دانشگاه علمی کاربردی که به‌عنوان دانشگاه کارآفرین مطرح است و با قدمتی پیش‌تازانه و فعالانه‌تر در این حوزه، از مطلوب‌ترین شرایط به‌منظور تغییر در نظام آموزش عالی امروزی و در نتیجه توسعه اقتصادی و اجتماعی برخوردار است، و ناگزیر از حرکت به‌سوی کسب ویژگی‌های دانشگاه‌های نسل سوم و کارآفرین هستند و با عنایت به اینکه، موضوع دانشگاه کارآفرین (نسل سوم) در دهه‌های اخیر مورد توجه جدی قرار گرفته است و به‌عنوان دوام و توسعه نیز با محوریت خلاقیت و کارآفرینی مطرح است و نیز با روند تحولات ملی و بین‌المللی و گذار از جامعه صنعتی به جامعه دانشی و ارتباط دانشگاه با صنعت که اتخاذ راهبردهای اثربخش در استفاده از افتخارات علمی موجود در جهان و فرصت‌های جدید توسط دانشگاه‌ها را ضروری ساخته است، لذا باید الگوهای آموزش و پژوهش در نظام

دانشگاهی متحول شده نسل جدیدی از دانشگاه‌ها به‌عنوان دانشگاه کارآفرین، جایگزین دانشگاه‌های سنتی آموزش محور و پژوهش محور گشته و پیش‌تازان عرصه آموزش عالی در آینده باشند و مهارت‌ها و توانایی‌های کارآفرینی جامعه دانشگاهی (دانشجویان، دانش‌آموختگان، اعضای هیئت‌علمی، مدیران و کارکنان) که بیشتر از همه در معرض روند نوآوری و کارآفرینی هستند، ارتقاء یابد.

با نگاهی به متون و مطالعات مرتبط با موضوع مشخص می‌شود که شکاف دانشی در زمینه موضوع مذکور وجود دارد و مطالعه جامعی که دربرگیرنده تمام مفاهیم موضوع باشد و مطابق پژوهش حاضر به‌صورت جامع و مستقلى تحت این عنوان باشد، دیده نشده است. البته درباره موضوعات پیرامون آن تألیفات متعددی در قالب کتب، مقالات و پایان‌نامه انجام شده است که به خلاصه به چند مورد اشاره می‌شود:

دانشگاه «کارآفرین» معرف دانشگاه‌هایی است که فرصت‌ها و رویه‌ها، فرهنگ‌ها و محیط‌های سودمندی را به‌منظور ترغیب و پذیرش کارآفرینی دانشجویان و دانش‌آموختگان فراهم می‌آورد. ایجاد زمینه توسعه نوآوری در اعضای دانشگاه، عرضه نتایج پژوهش‌های دانشگاهی به بازار، تولید و عرضه فناوری‌های جدید و نوآوری در گسترش مرزهای دانش بشری است. درواقع دانشگاه کارآفرین پاسخی به اهمیت روزافزون دانش نوآوری و تولید ثروت و ادراک جدید از دانشگاه است که بیش از هر چیز، حوزه آموزش را هم تحت تأثیر قرار داده است. دانشگاه‌ها را می‌توان بر اساس رویکردها و ساختارهای اجرایی متناظر با رویکردهای مزبور با یکی از سه ویژگی نسل اول (آموزش محور)، نسل دوم (پژوهش محور)، نسل سوم یا پیشرو (نوآور، فن‌آور و کارآفرین) توصیف کرد.

دانشگاه «MIT»<sup>۱</sup> به‌عنوان یک دانشگاه پژوهش محور موفق، نخستین دانشگاهی بود که با پذیرش مأموریت سوم، دست به ایجاد فرهنگ کارآفرینانه و رویکردهای جدید انتقال فن‌آوری زده و به‌عنوان دانشگاه کارآفرین شناخته شد (اوشی، آلن و مورس<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵). پس از ام. آی. تی، دانشگاه «استنفورد»<sup>۳</sup> به این تحول پیوست (اتزکویتز<sup>۴</sup>، ۲۰۰۳). مدل دانشگاه کارآفرین را که در حال نفوذ به تمامی دانشگاه‌هایی که توانایی بقا و رقابت در شرایط کنونی را دارند، به‌ویژه دانشگاه‌های کشورهای در حال توسعه، نخستین اولویت

1. massachusetts institute of technology  
2. O'Shea, R. P., Allen, T. J., & Morse, K. P.  
3. Stanford University

4. Etzkowitz, H.

خود قرار داده‌اند (سیگل<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳). فعالیت‌های کارآفرینی که دانشگاه می‌تواند برای رسیدن به این هدف، در یک طیف از اقدامات «نرم» تا «سخت» انجام دهد: ایجاد پارک فناوری؛ تشکیل شرکت‌های انشعابی؛ اعطای پتنت و لیسانس؛ پژوهش‌های قراردادی؛ دوره‌های آموزشی صنعت؛ مشاوره؛ دریافت وجوه اعطایی؛ انتشار نتایج دانشگاهی؛ ارائه افراد آموزش دیده بسیار واجد شرایط و مجرب (فیلیپات، دولی و ریلی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱). عوامل محیطی (رسمی و غیررسمی)، عوامل داخلی (منابع و ظرفیت‌ها) (گوآررو و اوربانو<sup>۳</sup>، ۲۰۱۲). عوامل محیطی: شرایط تاریخی، بازار آموزش عالی، سیاست و اجتماع. عوامل درونی: محسوس و نامحسوس، ساختار، منابع انسانی، منابع مالی (برین آستین و ریهلن<sup>۴</sup>، ۲۰۱۴). اهداف کارآفرینی، تمایل به ریسک، عوامل شخصیتی طرح کسب‌وکار، تفکر ریسک، خودکارآمدی، نیاز به موفقیت، کانون کنترل است (یورت کورو، آکار و ترامان<sup>۵</sup>، ۲۰۱۴). طرح کسب‌وکار، تفکر ریسک، خودکارآمدی، نیاز به موفقیت، کانون کنترل (های جی دین و همکاران<sup>۶</sup>، ۲۰۱۵). قصد کارآفرینی، جهت‌گیری کارآفرینی، تجاری‌سازی پژوهش‌ها (اسماعیل و همکاران<sup>۷</sup>، ۲۰۱۵) از عوامل مهم برای ایده کارآفرینی فردی و سازمانی می‌باشند. رابطه مثبت، بین پیش‌بینی قصد کارآفرینی دانشجویان با سرمایه‌ی روان‌شناختی و انطباق‌پذیری مسیر شغلی وجود دارد (شیخ‌الاسلامی، کریمیان‌پور و کیانی، ۱۳۹۸) که در فعالیت یک دانشگاه کارآفرین باید مورد توجه واقع گردد.

نتیجه نشان می‌دهد که دانشگاه تربیت مدرس ویژگی‌های یک دانشگاه کارآفرین از جمله «فرهنگ سازمانی کارآفرینانه، تعامل مستمر با محیط، چشم‌انداز مشترک، راهبرد آینده‌نگر و منابع انسانی» را دارا است؛ اما از ساختار کارآفرینانه و استقلال مالی مناسب برخوردار نیست. بر اساس نتایج به دست آمده «توجه به نیروی انسانی، تلاش برای جذب منابع مالی، تقویت اصل ابتکار عمل، ایجاد ساختار غیرمتمرکز و کاهش بروکراسی» از جمله تلاش‌هایی است که می‌تواند دانشگاه را به سوی کارآفرینی سوق دهد (کردنائیج، احمدی و قربانی، ۱۳۹۱). یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که «مؤلفه‌های چشم‌انداز، مأموریت و استراتژی دانشگاه، حاکمیت و اداره دانشگاه، ساختار و طرح سازمانی، چند رشته‌ای و فرارشته‌ای، قدرت نفوذ و استفاده از منابع متنوع، مدیریت ذی‌نفعان و

1. Siegel, D. S.,  
2. Philpott, K., Dooley, L., & O'Reilly, C.  
3. Guerrero, M., & Urbano, D.  
4. Bronstein, J., & Reihlen, M.

5. Yurtkoru, E. S., Acar, P., & Teraman, B. S.  
6. Hjdin, B., et al.  
7. Ismail, K., et al

ارزش‌های جامعه، دانش‌آموختگان، انتقال دانش، مرکز رشد، تأمین مالی مخاطرات در شرکت‌های مشتق از دانشگاه، بین‌المللی سازی و درنهایت آموزش کارآفرینانه و آموزش سرمایه‌گذاری در دانشگاه مازندران» در سطح مناسبی قرار دارند (صمدی، آقاجانی و صمدی، ۱۳۹۳). نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها در دانشگاه‌های استان مازندران تأثیر عوامل رفتاری و عوامل ساختاری و عوامل محیطی را بر آموزش کارآفرینی مورد تأیید قرار می‌دهد (ساغری، اسماعیلی و حسین‌زاده، ۱۳۹۷).

با توجه به این‌که نتایج مطالعه کیفی حاضر، در برخی محیط‌های دانشگاهی که در مراحل اولیه تکوین و تکامل برنامه‌های توسعه کارآفرینی دانشگاه خود به سر می‌برند به منزله مهم‌ترین هدف راهبردی به‌خصوص برای دانشگاه علمی - کاربردی به‌عنوان دانشگاه کارآفرین، بسیار سودمند خواهد بود، لذا بر این اساس و هدف که دانشگاه کارآفرین مهم‌ترین موضوع، در راستای سیستم رفاه و نوآوری ملی هم است، سؤال این مقاله به شرح ذیل مطرح شد:

الگوی مناسب دانشگاه کارآفرین، برای دانشگاه‌های ایران بر اساس نظریه داده بنیاد نظام‌دار چگونه است؟

## روش

هدف از پژوهش حاضر، ارائه مدل دانشگاه کارآفرین، برای دانشگاه‌های دولتی در ایران است. روش پژوهش کیفی با ماهیت داده بنیاد سیستماتیک است. جامعه آماری شامل ۱۴ نفر مدیران و استادان مطرح ملی در این حوزه در سال ۱۳۹۷ بود. گردآوری داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه ساختارمند و با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و به شیوه گلوله برفی تا رسیدن به مرحله اشباع نظری، انجام شد و متن داده‌ها با بهره‌گیری از روش نظریه داده بنیاد سیستماتیک مورد تحلیل قرار گرفته است و مدل پارادایمی بر اساس نظریه داده بنیاد سیستماتیک (اشتراووس و کوربین<sup>۱</sup>، ۱۳۹۴) ارائه شد. از تکنیک جمع‌آوری از منابع متعدد نظری و تجربی (مرور متون) و بر اساس معیارهای ارائه‌شده از سوی کرسول برای حصول اطمینان از روایی پژوهش اقدامات زیر نیز انجام شد (کرسول و میلر<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰):

1. Strauss, A., & Corbin, J.

2. Creswell, J. W., & Miller, D. L.

تطبیق از سوی اعضای<sup>۱</sup>: برای ۱۴ نفر از مصاحبه‌شوندگان گزارش کدگذاری، به همراه گزاره‌های مستخرج از ایشان و متن مصاحبه ارسال شد. پیشنهادهای آنان در کدگذاری‌ها اعمال شد.

بررسی همکار<sup>۲</sup>: ۳ نفر از استادان و ۳ نفر از دانشجویان دکتری رشته مدیریت آموزشی و برنامه‌ریزی توسعه آموزش عالی، پارادایم کدگذاری باز و محوری و گزینشی را بررسی کردند و نظرات آنان در تدوین مدل به کار رفت. در مورد پایایی هم مطابق فرمول هولستی و کاپا با ضریب توافق ۹۵٪ و به بالا مورد تأیید و حمایت واقع گردید. مصاحبه‌ها بین چهل و پنج دقیقه تا دو ساعت طول می‌کشید. این مصاحبه‌ها از لحاظ هدف پاسخ به سؤالات و اکتشاف مدل بود که با مسئله اصلی پژوهش شروع می‌شدند و در محور آن ادامه می‌یافتند. مصاحبه‌ها پس از اخذ موافقت مصاحبه‌شونده ضبط و تدوین شد. برای کاهش حساسیت نسبت به ضبط کردن مصاحبه، در ابتدای هر مصاحبه، پژوهشگر پس از معرفی خود، هدف پژوهش و محرمانه بودن مصاحبه را شرح می‌داد. جامعه مورد مطالعه و مصاحبه در مرحله کیفی شامل کلیه مطلعین کلیدی حوزه دانشگاه کارآفرین است، از جمله اساتید دانشگاهی که در خصوص فوق تجربه راهنمایی و یا مشاوره دارند و مدیران کارآفرینی دانشگاه‌ها که با رعایت منشور اخلاقی و از جمله ناشناخته ماندن اسامی انجام شد.

### یافته‌ها

در این بخش بر مبنای هدف و سؤال پژوهش، یافته‌های حاصل از داده‌های کیفی با روش و ماهیت داده بنیاد سیستماتیک آورده می‌شود:

#### جدول ۱. مقوله‌های دانشگاه کارآفرین طی مراحل کدگذاری باز، محوری و انتخابی

مرحله اول	کدگذاری باز	یافتن حدود ۱۰۶ ویژگی و شاخص برای دانشگاه کارآفرین از میان داده‌های مصاحبه و تبدیل آن‌ها به ۲۶ خرده مقوله
مرحله دوم	کدگذاری محوری	اختصاص ۲۶ خرده مقوله دانشگاه کارآفرین به شش مقوله کلی (محور) بر پایه نظریه مبنایی نظام‌دار
مرحله سوم	کدگذاری انتخابی	تعیین روابط شش بُعد (کدگذاری گزینشی) برای دانشگاه کارآفرین



شکل ۱. مدل پارادایمی دانشگاه کارآفرین بر اساس طرح نظام‌دار نظریه بر پایه (پاسخ سؤال)

شرایط علی: در این بُعد مقوله کلی بر اساس کدگذاری محوری مقوله کلی ساختاری تشخیص داده شد. ساختار ارگانیک در محیط‌های متلاطم و دارای تغییر قابل استفاده است. راهکارهای مرتبط با محور ساختار کارآفرینانه، در ذیل آورده شده است: در بین مقوله ساختاری، نسبت به متغیر امور مالی شامل فعالیت و عملکردهای تنوع منابع مالی، تخصیص بودجه‌های پژوهشی، حمایت از مراحل رشد و شروع شرکت‌ها توجه شود که با نگاهی به تئوری‌های موجود پیرامون امور مالی و قابلیت‌های عملی آن، این موضوع کاملاً تصدیق می‌شود که وجود قابلیت‌های مالی از نقطه نظر ساختاری عامل مهمی در شکل‌گیری دانشگاه کارآفرین است و متغیر ارگانیک بودن شامل فعالیت‌های تمایل به سمت تمرکززدایی تصمیم، رسمیت پایین، حیطه کنترل گسترده، رعایت نشدن کامل سلسله مراتب اداری، قدرت مبتنی بر تخصص در مقابل قدرت مبتنی بر موقعیت، انعطاف‌پذیری فرایندها، شبکه‌های اطلاعات با جریان آزاد، کاهش پایبندی به قوانین و سیاست‌ها و همچنین مؤلفه امور آموزشی شامل تجمیع رشته‌ها در یک مکان به جای دانشکده تخصصی در مراکز، ارتباط نزدیک مدرسین رشته‌های مختلف، وجود روش‌های آموزشی نوآورانه عملی و کارگاهی، وجود دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی کارآفرینی و مهارت‌های کسب‌وکار، وجود دروس کارآفرینی، مطلوبیت کمیت مراکز و واحدها، آموزش متنوع مثل طرح تجمیع و رادیو و تلویزیون، نیمه‌حضور، مطلوبیت کیفیت آموزش، فن‌آوری چندرسانه‌ای در آموزش، مؤلفه امور اداری شامل حذف تشریفات زائد اداری، مقررات حمایتی و تسهیل‌گر، مؤلفه امور پژوهشی شامل پژوهش و توسعه نامتمرکز، وجود پایان‌نامه‌های دانشجویی و طرح‌های پژوهشی، مؤلفه تشکیلات خاص شامل ایجاد دفاتر ارتباط با مراکز کارآفرینی مثل پارک علم و فن‌آوری و مراکز رشد، ایجاد دفاتر ارتباط با صنعت، مؤلفه نظام منابع انسانی شامل جذب اعضای علمی و متخصص، تشویق اعضای علمی و کارکنان.

مقوله اصلی: این بُعد تحت عنوان مقوله کلی رفتاری شناخته می‌شود. افراد کار را همانند تفریح بدانند - اخلاق، درستی، اعتماد و باورپذیری - احساس تعهد و وفاداری اعضا - کاری که سازمان انجام می‌دهد برای مشتریان ارزشمند باشد - توجه به جزئیات، افراد، ساختار و فرایندها - به‌طور مستمر، میدان دادن به افراد خلاق و مبتکر - تلقی اینکه دانشی که افراد دارند، آن چیزی است که مورد نیاز سازمان است. توان ساعت‌ها کار طولانی، پشتکار و توفیق‌طلبی، توان مذاکره مدیران، مهارت مناسب سازمانی مدیران،



آینده‌نگری و تمایل به پیشگام بودن مدیرها، خلاقیت و نوآوری، پذیرفتن تغییر و فرصت‌جویی، استقبال از چالش‌ها و کار تیمی، جسارت و ریسک‌پذیری در مدیران دانشگاه‌ها موردحمایت و تشویق جزئی و کلی قرار گیرد: نسبت دادن موفقیت‌ها یا شکست‌ها به خود (مرکز کنترل درونی)، تمایل به مخاطره‌پذیری و ریسک‌پذیری، تحمل ابهام، استقلال‌طلبی، دوراندیشی و آینده‌نگری، مسئولیت‌پذیری، ارائه ایده‌های نو و خلاقانه، تمایل به انجام کار در استانداردهای عالی جهت موفقیت (توفیق‌طلبی) در کارکنان باارزش تلقی شود. تفویض کارها به افراد خلاق و نوآور، استقرار نظام پذیرش و بررسی پیشنهادها و فراگیری آن در سازمان موردتوجه رهبران سازمان دانشگاه قرار گیرد، میزان پیشنهادهای ارائه‌شده و اجرایی بودن پیشنهادها در سازمان، مشارکت افراد سازمان در تصمیم‌گیری توسط مدیران و رهبران سازمان دانشگاه‌ها موردپذیرش واقع گردد. توسعه و ترویج و استقبال از فرهنگ تضاد سازمانی، تضارب افکار و اختلاف‌سلیقه‌ها در جهت دستیابی به اهداف سازمانی، استقبال مدیریت سازمان از وجود اختلاف‌سلیقه و تضارب افکار در سازمان، استقبال و آغوش‌کشی تضارب افکار و اختلاف‌سلیقه بین کارکنان با یکدیگر و کارکنان با مدیریت.

راهبردها: از استراتژی نهادی به‌عنوان راهبردها، می‌توان به‌عنوان یک موضوع مهم پژوهش برای کمک به کارآفرینی‌ترشدن دانشگاه‌ها استفاده کرد. بخشی از الزامات تبدیل دانشگاه سنتی به دانشگاه کارآفرین است و مطابق یافته‌ها، در این رابطه سه زیر مؤلفه فرهنگ دانشگاه و سپس زیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، اهداف و مأموریت دانشگاه دارای اهمیت هستند. ارائه راهکارهای تبدیل به دانشگاه کارآفرین تحت ویژگی‌های زیر قابل‌ارائه است: ایجاد ارتباط بین دانشگاه و صنعت، اشاعه فرهنگ کارآفرینی، اشاعه و توسعه فرهنگ کار تیمی، وجود فرهنگ تجاری‌سازی، توجه به اعتبار نام و برند دانشگاه در جهان، اعتبار نام و برند دانشگاه در کشور، پیشینه افتخارآمیز در همکاری دانشگاه و صنعت، توسعه ملی، افزایش درآمد، تجاری‌سازی کالا و خدمات و سایر ایده‌های نوآورانه و نتایج پژوهش‌های دانشگاهی. دانشگاه کارآفرین به‌عنوان یک نهاد اجتماعی، توانا به انجام عمل و کار، به‌عنوان یک نهاد است.

شرایط مداخله‌ای: یکی از تعاریف مهم کارآفرینی این است که فعالیت کارآفرینانه شامل ریسک‌پذیری، فعالیت پرانرژی، پاسخگویی فردی، کسب پول به‌عنوان نتیجه، پیش‌بینی امکانات آینده و مهارت‌های سازمانی است. شرایط مداخله‌ای سازه فردی در

مطالعه حاضر، به دو مؤلفه: انتظار موفقیت، مهارت‌ها اشاره دارد که شامل شاخص‌های اعتماد به نفس، متکی به خود، خودآگاه، تشکیل گروه، توانایی انگیزش یادگیری از اشتباهات، سرمایه‌گذاری در فرصت‌ها است.

محیط و زمینه: اثر عوامل و ویژگی‌های محیطی بر تغییرات سازمانی از منظر سازمانی قابل تعمق و تأمل است. در حقیقت دیدگاه محیط و زمینه کارآفرینانه اثرگذارترین قلمرو در مطالعه کارآفرینی دانشگاه، با مشتریان و کارکردهای چندگانه در سطوح کلان، میانی و خرد؛ ملی و بین‌المللی است. مهم‌ترین خرده مؤلفه‌های آن عبارت‌اند از: اجتماعی - فرهنگی، قانونی-مقرراتی، اقتصادی-مالی، شبکه‌های نوآوری و موقعیت مکانی، سیاسی - اداری با ویژگی‌هایی همچون: نگرش مثبت و با احترام جامعه به کارآفرین، ارزشمند بودن کارآفرینی همراه با تشویق، عدم وجود قوانین دست و پاگیر، وجود قوانین حمایتی، دولت کارآفرین و حامی کارآفرینان، تسهیل در امور اداری، حمایت سیاستمداران با ایجاد زمینه سیاسی مطلوب با جهان، سطح اقتصادی بالای کشور در منطقه، محله، تغذیه مالی دانشگاه، امکان تجاری‌سازی دانش، نزدیکی دانشگاه‌ها به مراکز علمی و صنعتی، عرصه پژوهش (تعداد و سطح تخصص)، پیوند با نهاد آموزش عالی، همکاری با پژوهشگران، ارتباط با صنعت و پارک‌های علم و فن‌آوری.

پیامدها: از خرده مؤلفه‌های آموزش، پژوهش، ترویج، مشاوره کارآفرینانه به‌عنوان جنبه‌های کارآفرینی دانشگاه در قالب بُعد پیامدها طبق کدگذاری محوری یاد می‌شود. اجرای وظایف دانشگاهی در توسعه قابلیت‌های کارآفرینی بر اساس جنبه‌های دانشگاه کارآفرین به‌وسیله آموزش، پژوهش، ترویج، مشاوره قابل تبیین است. شاخص‌های هرکدام از حوزه‌های فعالیت کارآفرینی (زیر مؤلفه‌ها) به‌عنوان پیامدها، عبارت‌اند از: آموزش کارآفرینانه (آموزش در حوزه علم کارآفرینی، آموزش در حوزه فن‌آوری، آموزش در حوزه تجاری‌سازی، آموزش در حوزه کسب‌وکارهای دانش‌بنیان)؛ پژوهش (پژوهش در حوزه علم کارآفرینی، پژوهش در حوزه فن‌آوری، پژوهش در حوزه تجاری‌سازی، پژوهش در حوزه کسب‌وکارهای دانش‌بنیان)؛ ترویج (ترویج در حوزه علم کارآفرینی، ترویج در حوزه فن‌آوری، ترویج در حوزه تجاری‌سازی، ترویج در حوزه کسب‌وکارهای دانش‌بنیان) و مشاوره (مشاوره در حوزه علم کارآفرینی، مشاوره در حوزه فن‌آوری، مشاوره در حوزه تجاری‌سازی، مشاوره در حوزه کسب‌وکارهای دانش‌بنیان). البته تحقق هر برنامه‌ای مستلزم منابع، وسایل، ترتیب و تلفیق کار است، از جمله بهره‌مندی و

برخورداری از تجهیزات مرتبط با فناوری‌های نوین به‌ویژه فناوری اطلاعات و ارتباطات و مدیریت سیستم‌های اطلاعاتی کاربرد و باهوش است. در پژوهش حاضر، عناصر کارآفرینی دانشگاهی در شش بعد شرایط مداخله‌ای راهبردی، شرایط علی، مقوله مرکزی، محیط، زمینه و پیامدها شناسایی و تدوین شد.

### بحث و نتیجه‌گیری

ابعاد مختلفی در خصوص کارآفرینی دانشگاهی مورد بررسی قرار گرفته و مطالعه جامعی که دربرگیرنده تمام مفاهیم موضوع باشد و مطابق پژوهش حاضر به صورت جامع و مستقلی تحت این عنوان باشد، دیده نشده است. البته درباره موضوعات پیرامون آن تألیفات متعددی در قالب کتب، مقالات و پایان‌نامه انجام شده است و بخشی از موضوعات دانشگاه کارآفرین بوده که به چند مورد آن در بخش مقدمه هم بر اساس نتایج حاصل از خط سیر داستان پژوهش برای ویژگی‌های دانشگاه کارآفرین، به عنوان سوابق پژوهش و یادداشت برداری و بررسی اسناد و تجارب بین‌المللی که تأثیر بسیاری بر استقرار عملی و توسعه دانشگاه کارآفرین در دانشگاه‌های کشور دارند، اشاره گردید.

به عنوان نمونه برای تبدیل دانشگاه سنتی به دانشگاه کارآفرین، بازنگری در ساختار سازمانی مربوط به یافته‌های مقوله شرایط علی ضروری است. ساختار ارگانیک در محیط‌های متلاطم و دارای تغییر قابل استفاده است. نوآوری‌های دهه اخیر نشان می‌دهد که ساختار کارآفرینانه در راستای استقرار عملی و توسعه دانشگاه کارآفرین است. لذا با توجه به مسیر طولانی که کارآفرینی دانشگاه دارد و عدم توانایی که در پیش‌بینی سرعت تغییرات وجود دارد، این پژوهش از طریق مصاحبه با مطلعین کلیدی دانشگاه کارآفرین نیز صورت پذیرفت.

هدف این پژوهش ارائه مدلی جامع و کاربردی با توجه به خلأ الگویی بود. در همین راستا بر اساس تئوری زمینه‌ای منظم شش مقوله بزرگ و ۲۶ خرده مقوله و ۱۰۶ ویژگی از داده‌های متنی شناسایی شد. از آنجاکه هدف این پژوهش کاوش موضوع دانشگاه کارآفرین بود. لذا با توجه به ابعاد مختلف موضوع، توسعه و بسط آن و نظر به تعاملات و چندوجهی بودن مدل دانشگاه کارآفرین و پیچیدگی آن از دیدگاه متخصصان مطلع شامل اساتید و مدیران در مراکز دانشگاهی، در طراحی مدل بومی مناسب به منظور تحقق مدل دانشگاه کارآفرین، روابط مقوله‌های هسته‌ای (رفتاری، نهادی، ساختاری، محیطی،

فردی، کارآفرینی دانشگاه) مطابق خوشه مقوله‌های توسعه دانشگاه کارآفرین کشور به صورت تعاملی هم نگریسته شد و به این شکل هم، به صورت نظری، با توجه به راهکار عمومی و ابتکاراتی نظریه داده بنیاد اکتشافی به هم مرتبط شدند؛ یعنی، به این امر نیز توجه شد که ویژگی‌های (عوامل و معیارهای کارآفرینی دانشگاه یا دانشگاه کارآفرین) در رابطه با هم دیگر، چگونه عمل می‌کنند و تعاملاتشان چگونه است و پیامدهای ویژگی‌های دانشگاه کارآفرین و چالش‌ها چگونه است و باید مطرح گردد؟

مؤلفه‌های پارادایم کدگذاری محوری در شکل ۱ برای هر یک از خوشه‌های مقوله‌ای (راهبردها، شرایط علی، مقوله کانونی، زمینه، شرایط مداخله‌ای، پیامدها) ارائه شده‌اند. نتیجه اینکه، یک دانشگاه، به منظور دستیابی به ویژگی‌های دانشگاه کارآفرین، بایستی هم‌زمان و حداقل به ۱۰۶ راهکار شناسایی شده در این مطالعه که در قالب ۶ محور کلی و ۲۶ محور فرعی گروه‌بندی شده است، بذل توجه و عنایت کامل کنند. مطابق نظریه خبرگان موضوع، بین متغیرهای مدل دانشگاه کارآفرین (ویژگی‌های مدل، بر اساس شش مؤلفه داده بر پایه اکتشافی سیستماتیک) که به صورت نظری به هم مرتبط شدند، تعامل و رابطه وجود دارد. لازم به ذکر است که پیچیدگی روابط حاکی از آن است که شرایط محیطی می‌تواند بر روی زمینه و عوامل علی دانشگاه تأثیرگذار باشد، از آن‌ها تأثیر پذیرد. به علاوه، شرایط محیطی، علی و زمینه‌ای به صورت جداگانه و تجمعی نیز می‌تواند بر مقوله پیامدها و راهبردها اثر بگذارد. همچنین، نتایج و پیامدها به صورت جداگانه و تجمعی بر روابط اصلی می‌تواند اثرگذار باشد و اثرپذیر باشد. همچنین، نتایج و پیامدها به صورت بازخوردی، بر روی تمامی مؤلفه‌های الگوی مفهومی ارائه شده برای دانشگاه کارآفرین می‌تواند تأثیرگذار باشد.

به علت اینکه دانشگاه علمی - کاربردی یک دانشگاه کارآفرین است لذا یافته‌ها؛ برای این دانشگاه مدل موفق است. لذا توصیه می‌شود، تعمیم نتایج به سایر دانشگاه‌ها، با تأمل بیشتری صورت پذیرد. فرایند تبدیل یک دانشگاه به دانشگاه کارآفرین، به مثابه ایجاد تحولات زیربنایی و گسترده در زیرسیستم‌های مختلف و متنوع دانشگاه است که با نگاهی ژرف‌اندیشانه، سیستمی و راهبردی، از سوی مدیران دانشگاه و همچنین جلب مشارکت حداکثری تمامی اعضای جامعه دانشگاهیان، با بهره‌مندی از بستر، منابع و زیرساخت‌های موردنیاز آن بر اساس مدل پارادایمی ارائه شده و اهمیت عناصر ابعاد شش‌گانه و روابط تعاملی هرکدام محقق می‌گردد. در تحلیل نتایج به دست آمده در مقایسه با سایر

پژوهش‌های انجام شده می‌توان چنین گفت: در پژوهش حاضر، مقوله‌های کلی و خرده مقوله‌ها (سازه‌ها) و هرکدام از ویژگی‌های ابعاد به‌دست‌آمده و اهمیت‌شان، با سایر پژوهش‌ها، تقریباً همسو بوده است.

با توجه به یافته‌های به‌دست‌آمده از پژوهش‌های دیگران، مهم‌ترین نتایج حاصل‌شده از پژوهش‌های انجام‌گرفته در زمینه مورد مطالعه برای مقایسه نیز ارائه می‌شود: تقی‌زاده و محمدپورشاطری (۱۳۸۷)، تقی پورظهیر و حسن مرادی (۱۳۸۵)، صمدی میارکلایی و همکاران (۱۳۹۳)، کردنائیج و همکاران (۲۰۱۲)، فیلیپات و همکاران (۲۰۱۱)، یداللهی فارسی و همکاران (۱۳۹۰)، شریف‌زاده، رضوی و زاهدی (۲۰۰۸). ضمناً برای مقایسه فاکتورهای کارآفرینی دانشگاهی، قسمت مقدمه بر اساس نتیجه مصاحبه و تلفیق با ادبیات پژوهش، یادداشت‌برداری و تجارب بین‌المللی، در قالب مفاهیم و سازه‌ها نیز قابل استدلال و اشاره است.

در ادامه، پیشنهادهای نظری و کاربردی و محدودیت‌ها، برای کاربرست نتایج مطالعه حاضر نیز ارائه می‌شود: نتایج پژوهش حاضر می‌تواند مبنایی برای شروع پژوهش‌های بعدی در زمینه کارآفرینی در نظام آموزش عالی هم باشد. در این پژوهش عوامل و مؤلفه‌های برنامه‌های توسعه کارآفرینی مشخص شدند؛ بنابراین لازم است در این زمینه پژوهش‌هایی صورت بگیرد و دلایل و چالش‌های موجود در این زمینه شناسایی شوند. ایجاد دیدی مثبت نسبت به فعالیت‌های نوآورانه و کارآفرینانه در دانشگاه و ترغیب ارزیابی اثربخشی دوره‌های آموزشی به‌منظور دستیابی به اهداف کارآفرینی در دانشگاه لازم و ضروری است و باید با وضع قوانین و رویه‌هایی به حمایت از رفتارهای کارآفرینانه و تلاش جهت ارائه خدمات جدید و متنوع به مشتریان به‌طور مستمر اعم از دانشجوی، کارمند، اساتید صاحب ایده کارآفرینانه، افزایش ظرفیت و توان انطباق‌پذیری تکنولوژیکی، بالا بردن شاخص آزادی اقتصادی برای افزایش نوآوری و کارآفرینی، استفاده هر چه بیشتر از پدیده دورکاری به‌منظور تبلیغات گسترده و فروش خدمات در بازارهای بیشتر اقدام کرد. بر اساس یافته‌ها، با تدوین خط‌مشی مؤثر و چشم‌اندازها در حوزه کارآفرینی دانشگاهی برای عوامل تأثیرگذار دانشگاه کارآفرین نظارت و تعقیبات لازم با توجه به مسیر طولانی کارآفرینی دانشگاه و پویا مستمر برای شاخص‌های این پژوهش به عمل آید. ایجاد ارتباط مستمر با شبکه‌های موجود در حیطه‌های

کسب و کارهای دانش‌بنیان و نوآورانه در دنیا از طریق دفاتر کارآفرینی دانشگاه، شناسایی و بهره‌برداری مناسب و شایسته از اقدامات نوآورانه؛ در دانشگاه‌ها، مؤلفه‌های شناسایی‌شده با اهمیت در ارتباط با دانشگاه کارآفرین مورد توجه مدیران مراکز آموزش عالی قرار گیرد و از کارآفرینی دانشگاهی و دانشگاه کارآفرین، تجاری‌سازی دانش و تکنولوژی دانشگاهی استقبال گردد. تمرکز بر دانشگاه‌ها، دانشکده‌ها، گروه‌ها و رشته‌های نسل‌های جدید؛ بهره‌گیری لازم از مدل‌ها / چهارچوب‌ها / الگوهای ارتباط بین دانشگاه‌ها و صنعت (جامعه)؛ تأمین انتظارات متقابل دانشگاه‌ها و صنعت (جامعه) به‌عنوان یک امری ضروری که می‌بایستی مورد توجه قرار گیرد. در یک دانشگاه کارآفرین مشاغل جدید خلق می‌شود، افراد کارآفرین مورد حمایت قرار می‌گیرند، ارتباطات افراد و گروه‌ها به‌صورت باز، افقی و معمولاً غیررسمی است و از ایده‌های جدید و خلاق استقبال می‌شود، جلساتی برای تبادل اطلاعات و فعالیت‌ها تشکیل می‌گردد، امکان دسترسی به بازار کار و بهره‌گیری از تجارب گوناگون وجود دارد و نیروی انسانی خصوصاً دانشجویان با ارزش‌ترین منبع آن به حساب می‌آیند؛ بنابراین تشویق و پشتیبانی از کارآفرینی در کشورها، به‌عنوان امری ضروری است.

دانشگاه کارآفرین، می‌تواند به علاقه‌مندان حوزه دانشگاه کارآفرین کمک کند تا عوامل مختلف را سنجیده و سناریوهای مناسبی برای آینده و نزدیک‌تر شدن به این نسل از دانشگاه‌ها انتخاب کنند و برای پژوهشگران این حوزه نیز حائز اهمیت خواهد بود، زیرا راه را برای پژوهش‌های آتی باز خواهد کرد و زمینه شناخت بیشتر را فراهم خواهد کرد.

با توجه به تغییر روابط بین سه سیستم صنعت، دانشگاه، دولتی و افزایش ایده‌های نوآورانه و اقتصاددانشی مطرح، لزوم مأموریت کارآفرینی دانشگاه‌ها بیش از پیش روشن می‌گردد، لذا این پژوهش در راستای رشد و توسعه کشور به حساب می‌آید. به سایر پژوهشگران توصیه می‌شود از دیگر نسخه‌های تئوری زمینه‌ای استفاده کنند و نتایج را با نتایج پژوهش حاضر مقایسه کنند و چنانچه پژوهشگران بخواهند در این حوزه فعالیت کنند مدل پارادایمی حاضر با توجه به عناصر ابعادشان به‌وسیله مدل‌های معادلات ساختاری آزمون شود تا از حالت آرمانی و ایده‌آل به مدلی ملموس و عملیاتی تغییر یابد. ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های احصاء شده از پژوهش حاضر در قالب یک دفترچه در اختیار رؤسای گروه‌ها و دانشگاه‌ها قرار گیرد تا حرکت خود را از برنامه روزی به برنامه‌ریزی شرح و بسط دهند.

نتایج و مدل این پژوهش می‌تواند با توجه به تازگی موضوع و مسیر طولانی آن در کلیه مؤسسات آموزشی و اجرایی کارآفرین و دانشگاه‌های علمی- کاربردی و سایر دانشگاه‌های کارآفرین، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی، خصوصی، نیمه‌دولتی استان و کشور در سطح (خرد و کلان) و با تلوپحات، مورد بهره‌برداری قرار گیرد و چارچوبی برای برنامه‌ریزی، اجرا، ارزیابی و بهبود برنامه‌های توسعه و گسترش فرصت‌های تجاری‌سازی، نوآوری، کارآفرینی و فن‌آوری، در راستای اقتصاد دانش‌بنیان و توسعه اقتصادی و اجتماعی، برای مراکز کارآفرین کشور، گردد.

دانشگاه کارآفرین، دانشگاهی است که علم را توسعه و به عرصه عمل می‌آورد و موتور محرکه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه می‌گردد و به‌عنوان یک الگوی عملی و عینی کارآفرینی با توجه به مدعیات علمی و جایگاه علمی و آموزشی و پژوهشی در اجتماعات بشری که دانشگاه‌ها دارند برای سایر سازمان‌ها و افراد می‌گردد.

از دانشگاه کارآفرین انتظار می‌رود که علم را به ثروت تبدیل کند. برای رشد و توسعه کشور یک پژوهش در مورد دانشگاه کارآفرین که مسیری طولانی دارد لازم است. لذا از دستاوردهای پژوهشی موضوع مزبور که تأکیدی ویژه بر تجاری‌سازی دانش تولید شده در دانشگاه‌ها هم دارد باید همواره در مسیر ارزیابی، اجرا و برنامه‌ریزی در سطح ملی و بین‌المللی سود جست. به‌طورقطع این مطالعه، به‌طور مستقیم بر بخش دانشگاهی و دانشگاهیان کشور تأثیر داشته و دولت مردان و سیاست‌گذاران این عرصه و مدیران اجرایی و پژوهشگران و سایر علاقه‌مندان را از توصیه‌های خود بهره‌مند خواهد ساخت و مدل از حالت ایده‌آل به مدلی ملموس و عملیاتی رسیده برای دانشگاه‌ها، می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. در اجرای این پژوهش محدودیت هماهنگی با مصاحبه‌شوندگان، برای انجام مصاحبه‌ها به خاطر مشغله‌ها که فرصت را محدود می‌کرد و کمبود یا فقدان منابع علمی قابل‌دسترس به‌روز، در بخش کیفی پژوهش و استفاده از تجربه دانشگاه‌های کارآفرین موفق در دنیا به‌صورت عینی وجود داشت.

## منابع

- احمدپورداریانی، م. (۱۳۹۳). کارآفرینی. تهران: ساکو.
- استراوس، کن. (۱۳۹۴). مبانی پژوهش کیفی (چاپ سوم). ترجمه ابراهیم افشار. تهران: نی.
- تقی پورظهير، ع.، و حسن مرادی، ن. (۱۳۸۵). الگوی مناسب ایجاد دانشگاه کارآفرین. مجله علمی - پژوهشی اقتصاد و مدیریت، (۶۹)، ۳۱-۴۰.
- تقی زاده، ه.، و محمدپورشاطری، م. (۱۳۸۷). شناسایی وظایف و مأموریت‌های دانشگاه کارآفرین. نشریه علوم تربیتی، ۲، ۶۸-۴۱.
- داوری، ع. و رضازاده، آ. (۱۳۹۵). مدل‌سازی معادلات ساختاری با نرم‌افزار پی‌آل‌اس (چاپ سوم). تهران: جهاد دانشگاهی.
- خاکی، غ. ر. (۱۳۹۱). روش تحقیق (با رویکرد پایان‌نویسی). تهران: فوژان.
- ساغری، ف.، اسماعیلی، ع. و حسین زاده، ب. (۱۳۹۷). بررسی عوامل مؤثر بر توسعه آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌های استان مازندران. مجله پژوهش در نظام‌های آموزشی، ۱۲ (ویژه‌نامه)، ۱۰۲۹-۱۰۴۳.
- سرمد، ز.، بازرگان، ع.، و حجازی، ا. (۱۳۹۳). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری (چاپ بیست و ششم). تهران: آگاه.
- شریف‌زاده، ف.، رضوی، س. م.، زاهدی، ش. و نجاری، ر. (۱۳۸۸). طراحی و تبیین الگوی عوامل مؤثر بر کارآفرینی دانشگاه. مجله توسعه کارآفرینی، ۲(۶)، ۱۱-۳۸.
- شیخ‌الاسلامی، ع.، کریمیان‌پور، غ. و کیانی، ع. (۱۳۹۸). پیش‌بینی قصد کارآفرینی دانشجویان بر اساس سرمایه‌ی روان‌شناختی و انطباق‌پذیری مسیر شغلی. مجله پژوهش در نظام‌های آموزشی، ۱۳(۴۴)، ۸۹-۱۰۳.
- صمدی میارکلانی، ح.، آفاجانی، ح.، و صمدی میارکلانی، ح. (۱۳۹۳). ارزیابی شاخص‌های دانشگاه کارآفرین در دانشگاه مازندران. توسعه کارآفرینی، ۳۶۹-۳۸۸.
- کردنائیج، ا.، احمدی، پ.، قربانی، ز. و نیاکان لاهیجی، ن. (۱۳۹۱). بررسی ویژگی‌های دانشگاه کارآفرین در دانشگاه تربیت مدرس. فصل‌نامه توسعه کارآفرینی، (۳)، ۶۷-۶۴.
- واعظی، ف.، و علی‌پور، ل. (۱۳۹۵). کارآفرینی، پروژه و طرح کسب‌وکار (چاپ اول). تهران: آذرین مهر.
- یدالهی فارسی، ج.، زالی، م.، و باقری فرد، م. (۱۳۹۰). شناسایی عوامل ساختاری مؤثر بر توسعه کارآفرینی دانشگاهی؛ مطالعه موردی دانشگاه علمی - کاربردی. فصل‌نامه سیاست علم و فناوری، ۴ (۱)، ۱۷-۳۲.



## References

- Ahmadpoordaryani, M. (2014). *Entrepreneurship*. Tehran, Sacoo. [In persian].
- Bronstein, J., & Reihlen, M. (2014). Entrepreneurial university archetypes: A meta-synthesis of case study literature. *Industry and Higher Education*, 28(4), 245-262.
- Clark, B. R. (1998). *Creating entrepreneurial universities: Organizational pathways of transformation. Issues in higher education*. Elsevier Science Regional Sales, 665 Avenue of the Americas, New York, NY 10010 (paperback: ISBN-0-08-0433545; hardcover: ISBN-0-08-0433421, \$27).
- Çolakoğlu, N., & Gözükar, İ. (2016). A comparison study on personality traits based on the attitudes of university students toward entrepreneurship. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 229, 133-140.
- Creswell, J. W., & Miller, D. L. (2000). Determining validity in qualitative inquiry. *Theory into practice*, 39(3), 124-130.
- Davari, A., & Rezazadeh, A. (2015). *Modeling of structural equations with pls software*. Tehran: Publication of jehade daneshgahi. [In persian].
- Etzkowitz, H. (2003). Research groups as 'quasi-firms': the invention of the entrepreneurial university. *Research policy*, 32(1), 109-121.
- Gibb, A. (2005). Towards the entrepreneurial university: entrepreneurship education as a lever for change. *Policy paper*, 3, 1-46.
- Guerrero, M., & Urbano, D. (2012). The development of an entrepreneurial university. *The journal of technology transfer*, 37(1), 43-74.
- Hjdin, B., Anuarr, A., Usman, M., et al (2015). The effectiveness of entrepreneurship education program in upgrading entrepreneurial skills among public university students. *Journal of Elsevier*, 224, 117-123.
- Ismail, K., Anuar, M., Ahmad, O., et al (2015). Entrepreneurial intention entrepreneurial orientation of faculty and students towards commercialization. *Journal of Elsevier*, 181, 349- 355.
- Khaki, G. (2012). *Research method with dissertation writing approach*. Tehran: Publication of fouzhan. [In persian].
- Küttim, M., Kallaste, M., Venesaar, U., & Kiis, A. (2014). Entrepreneurship education at university level and students' entrepreneurial intentions. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 110, 658-668.
- Kordnaich, A., Ahmadi, P., & Ghorbani, Z. (2012). Studying of characteristics of entrepreneurship university in Tarbiat modarres university. *Journal of entrepreneurship development*, 5(3), 47-64. [In persian].
- O'Shea, R., Allen, T., & Morse, K. (2005). Creating the entrepreneurial university: the case of MIT. In *Academy of Management Conference, Hawaii*.
- Philpott, K., Dooley, L., O'Reilly, C., & Lupton, G. (2011). The entrepreneurial university: Examining the underlying academic tensions. *Technovation*, 31(4), 161-170.
- Röpke, J. (1998). The Entrepreneurial University: Innovation, academic knowledge creation and regional development in a globalized economy. *Department of Economics, Philipps-Universität Marburg, Germany*. available at: [www.wiwi.uni-marburg.de/Lehrstuehle/VWL/Witheo3/documents/entreuni.pdf](http://www.wiwi.uni-marburg.de/Lehrstuehle/VWL/Witheo3/documents/entreuni.pdf).
- Saghari, F., Esmaeeli, A., & Hosseinzadeh, B. (2018). Studying of effective factors on entrepreneurship education In universities of Mazandaran province, *Journal of research in educational systems*, 12(Special Issue), 1029-1043. [In persian].
- Samadimiarkalaei, H., Aghajani, H., & Samadimiarkalei, H. (2014). Evaluation of entrepreneurship university in Mazandaran university based on fuzzy method. *Journal of Entrepreneurship Development*, 7(2), 369-388. [In persian].

- Sarmad, Z., & Bazarghan, A., & Hejazi, A. (2014). *Research methods in behavioral sciences*. Tehran: Publication of Aghah. [In persian].
- Sharifzadeh, F., Razavi, S. M., Zahedi, Sh., & Najari, R. (2008). The design and explanation of the factors affecting academic entrepreneurship. *Entrepreneurship Development Quarterly*, 6(5), 38-11. [In persian].
- Sheykholeslami, A., Karimianpoor, G., & Kiani, A. (2019). The Prediction of Entrepreneurial Intention of University Students Based on Psychological Capital and Career Adaptability. *Journal of research in educational systems*, 13(44), 98-103. [In persian].
- Siegel, D. S., Waldman, D. A., Atwater, L. E., & Link, A. N. (2003). Commercial knowledge transfers from universities to firms: improving the effectiveness of university-industry collaboration. *The Journal of High Technology Management Research*, 14(1), 111-133.
- Strauss, A., & Corbin, J. (2015). *Basics of qualitative research*. Translated by Afshar E, Tehran, Ney. [In persian].
- Strauss, A., & Corbin, J. (1998). *Basics of qualitative research techniques*. Thousand Oaks, CA: Sage publications.
- Taghipoorzahir, A., & Hasanmoradi, N. (2006). Becoming model for making of entrepreneurship University. *Journal of economy & management*, 69, 31-40. [In persian].
- Taghizadeh, H. & Mohammdpoorshateri, M. (2008). Exploration of duties & commissions of entrepreneurship university. *Journal of educational sciences*, 2, 41-68. [In prsian].
- Tijssen, R. J. (2006). Universities and industrially relevant science: Towards measurement models and indicators of entrepreneurial orientation. *Journal of Research Policy*, 35(10), 1569- 1585.
- Vaezishokoh, F., & Alipour, L. (2016). *Entrepreneurship project and Business plan*. Tehran, Publication of Azarinmehr. [In persian].
- Yadollahifarsi, J., Zali, M., & Bagherifard, M. (2011). Exploration of effective structural factors on development of entrepreneur university one case studying on appliedness & scientific university. *Journal of technology & science policy*, 4(1), 17-32. [In prsian].
- Yurtkoru, E. S., Acar, P., & Teraman, B. S. (2014). Willingness to take risk and entrepreneurial intention of university students: An empirical study comparing private and state universities. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 150, 834-840.
- Zhou, C., & Peng, X. M. (2008). The entrepreneurial university in China: nonlinear paths. *Science and Public Policy*, 35(9), 637-646.